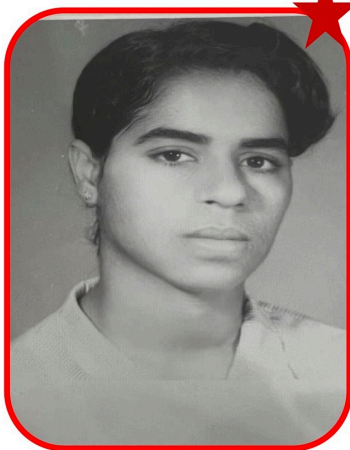


در باره زندگی رفیق طاهره

قاسم زاده (قاسمی)



درباره زندگی چریک فدایی خلق، رفیق شهید طاهره قاسمزاده

چریک فدایی خلق رفیق طاهره قاسمزاده (قاسمی) زنی از سلاله زنان چریک فدایی خلق بود که در سال ۱۳۶۰ هنگامی که پایگاهی که وی در آن بود مورد هجوم وحشیانه پاسداران سیاهی قرار گرفت، به نبردی جانانه اما نابرابر با آنها پرداخت و در حالی که تا آخرین گلوله در مقابل این مزدوران مقاومت نمود، جانش را در راه آرمان‌های انقلابی خود فدا نمود.

این زن آزاده و دلاور یکی از فرزندان پاک خلق‌های تحت ستم ایران بود که نام و یاد و خاطرش در آسمان پر ستاره مبارزات حقیقلبانه مردم ایران به صورت ستاره‌ای فروزنده همواره باقی خواهد ماند.

چریک فدایی خلق رفیق طاهره قاسمزاده متولد سال ۱۳۴۰ در بندرعباس بود. با توجه به این که خانواده رفیق در این شهر بیشتر به نام قاسمی شناخته می‌شوند، طاهره قاسمی نیز نام شناخته‌شده برای وی می‌باشد. رفیق طاهره همراه خانواده‌اش در محله سرریگ بندرعباس زندگی می‌کرد. او در دبیرستان فروغی بندرعباس تحصیل کرد و در همین دبیرستان از فعالین جنبش دانش‌آموزی ۱۹ بهمن هوادار چریک‌های فدایی خلق این شهر بود. در آن زمان فعالین چریک‌های فدایی خلق ایران در بندرعباس در دو بخش فعالیت می‌کردند به این معنی که جدا از جنبش دانش‌آموزی ۱۹ بهمن که علنی فعالیت می‌کرد، تعدادی از رفقای دلاور این شهر نیز در هسته‌های سیاسی-نظامی فعال بودند. رفیق طاهره پس از مدتی فعالیت در جنبش دانش‌آموزی ۱۹ بهمن به دلیل شایستگی‌ها، جسارت و پشتکار انقلابی‌اش در هسته‌های سیاسی-نظامی چریک شهری سازماندهی گردید و به فعالیت پرداخت. هسته‌های سیاسی-نظامی بندرعباس مرکب از همان دلاورانی بودند که از سال ۱۳۵۹ با دست زدن به اعمال انقلابی، ضربات بزرگی به سلطه دیکتاتوری حاکم در بندرعباس وارد ساختند.

رفیق طاهره کمونیستی پیگیر و وفادار به آرمان‌های انقلابی طبقه کارگر بود که به قول شاعر فدایی پری آیتی "در چشمانش انعکاس گلرنگ گلوله‌های آزادی" موج می‌زد. او زن انقلابی‌ای بود که با رزم سلحشورانه خود در مقابل پاسداران جنایتکار جمهوری اسلامی به همه زنان کشورش پیام داد که در مقابل رژیم دمنش جمهوری اسلامی در مقابل ظلم و بیداد راهی جز مقاومت و مقابله مسلحانه وجود ندارد.

سالها پس از جانباختن رفیق طاهره، تصویر او به مثابه یک زن شجاع و کمونیست و رزمنده راستین راه رهایی توده‌ها در مقرات پیشمرگه‌های سازمان در کردستان بر دیوار بود و خصایل مردمی و انقلابی این زن چریک فدایی خلق همیشه زبانزد رفقای او و الهام‌بخش آنان بود؛ چرا که این رفیق دلاور زن از خصال کمونیستی برجسته‌ای برخوردار بود و در میان یارانش به مهربانی و خوش قلبی معروف بود.

سال ۱۳۶۰، سالی که بسیاری از جان‌های شایسته به دست دژخیمان جمهوری اسلامی در میدان‌های نبرد و یا در سیامچال‌ها به خاک افتادند، در واقع آغاز یورش سراسری و سیستماتیک دارودسته خمینی به سازمان‌های سیاسی و کارگران و ستمدیدگان مبارز بود. در این سال خونین روزی نبود که دژخیمان حاکم عزیزانی را از مردم ما نگرفته باشند. بدون شک فاجعه و ننگ سرکوب‌های ددمنشانه رژیم جمهوری اسلامی در سال خونین ۱۳۶۰ و سال‌های دهه ۶۰ که نقطه اوجش کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ بود، هرگز از صفحات تاریخ پاک نخواهد شد.

تعرض سیستماتیک جمهوری اسلامی به انقلاب مردم ما و کشتار وحشیانه در سال ۱۳۶۰ اگر برای خیلی از مبارزین سیاسی غیر منتظره بود اما برای رفیق طاهره و هم‌زمانش کاملاً قابل پیش‌بینی بود، چرا که آنها جزئی از آگاه‌ترین بخش‌های روشن‌فکران انقلابی و توده‌های آگاه ما بودند که پیشاپیش بر ماهیت ضد خلقی جمهوری اسلامی اشراف داشتند و می‌دانستند که جمهوری اسلامی همچون رژیم شاه از طرف امپریالیست‌ها برای سرکوب مبارزات توده‌ها و به واقع با نام انقلاب برای سرکوب انقلاب مردم ایران بر سر کار آورده شده است. رفیق طاهره همچون دیگر رفقای رزمنده، این تعالیم چریک‌های فدایی خلق را با گوشت و پوست خود درک کرده بود که رژیم تازه مستقر شده به دلیل ماهیت ضد خلقی خود دیر یا زود تهاجم گسترده خود را به خلق آغاز خواهد کرد. او و هم‌زمانش، خود شاهد بودند که این رژیم از بهمن‌ماه سال ۱۳۵۷ تا ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰ که هجوم سراسری‌اش را آغاز کرد و در این مدت به تجهیز دستگاه سرکوبش مشغول بود، مرتب مردم مبارز ایران را که برای تغییر نظام ظالمانه سرمایه‌داری وابسته ایران به‌پا می‌خواستند را مورد حمله قرار می‌دهد. می‌دیدند که یک روز در ترکمن صحرا، روز دیگر در کردستان فاجعه می‌آفریند و روزی دیگر صیادان بندر انزلی را که خواهان کوتاه کردن دست سرمایه‌داران از کار و زندگی خود هستند در خون غوطه‌ور می‌سازد.

در نتیجه او و رفقاییش این اخطار چریک‌های فدایی خلق را که به همگان هشدار می‌دادند که جمهوری اسلامی همچون رژیم شاه رژیم ضد مردمی است که جز با سرکوب و اعمال اختناق قادر به ادامه حیات نیست؛ و باید همه نیروهای سیاسی و مردم خود را برای مقابله با آن آماده کنند، جدی گرفته و بر اساس آن رفتار می‌کردند. نبرد دلاورانه رفیق طاهره قاسمی با نیروهای مسلح جمهوری اسلامی بیانگر آگاهی او به این حقیقت بود که مردم ایران تنها با مقابله قهرآمیز با رژیم حاکم می‌توانند سدی در مقابل اهداف و مقاصد ارتجاعی آن ایجاد کنند. در سال ۱۳۶۰ رژیم جمهوری اسلامی می‌خواست با ریختن خون مردم در خیابان‌ها، با پرکردن زندان‌ها از مبارزین انقلابی و شکنجه و اعدام آنها، جزیره ثبات دلخواه اربابان امپریالیستش را در ایران به وجود آورد. اما واقعیت این است که این رژیم علی‌رغم دست زدن به هر تلاش ارتجاعی و جنایتکارانه قادر نشد توده‌ای که دست به انقلاب چنان با عظمتی زده بود را به تسلیم وا دارد. چرا که از دل همین توده انقلابی فرزندان چو طاهره بلند شدند و با مبارزه مسلحانه خود رژیم را در رسیدن به هدفش ناکام ساختند. به راستی هم اگر مقابله قهرآمیز و مقاومت خونین مبارزینی چون رفیق طاهره قاسمی در مقابل تهاجم سراسری رژیم دار و شکنجه نبود جنایتکاران حاکم با آن‌همه جنایاتی که در دهه شصت مرتکب شدند، می‌توانستند سکوت قبرستانی بر جامعه ایران حاکم کنند که نتایج بسیار وخیم و زیان‌بارش غیر قابل پیش‌بینی بود.

رفیق طاهره و هم‌زمانش به واقع شایسته نام پیشاهنگان واقعی توده‌های تحت ستم بودند. او که در سال ۱۳۵۹ به هسته‌های سیاسی نظامی بندرعباس پیوسته و به تدریج زندگی مخفی در پیش گرفته بود، در سال

۱۳۶۰ همراه با تعدادی دیگر از رفقاییش به تهران و کرج منتقل شدند تا بتوانند در جهت مقاومت مسلحانه تدارک ببینند.

رفیق طاهره قاسمی در شرایطی جان خود را در راه رفاه و آزادی مردم ایران فدا نمود که همراه با رفقای دیگر در حال شناسایی چند بانک برای مصادره موجودی آنها جهت تامین مخارج مبارزه انقلابی بودند. یاد این رفیق رزمنده، این زن انقلابی را گرامی می‌داریم و ایمان داریم که نام و یاد او با همه رزم دلاورانه‌اش در یاد مردم ایران زنده خواهد ماند و زنان تحت ستم و مبارز ایران نیز از زندگی و چگونگی مرگ زندگی‌آفرین او درس‌ها آموخته و قدم در راه سترگ وی خواهند گذاشت.

یاد رفیق طاهره قاسمزاده (قاسمی) گرامی و راهش پر رهرو باد!